



The Mechanism of Utilizing Other Sciences in Jurisprudence for Understanding Specialized Subjects¹

Hojjatollah Bayat 

Email: hojat.bayat@gmail.com



Abstract

Ijtihad is a process composed of understanding the subject and deducing the ruling, where identifying the subject precedes deducing the ruling. A large number of the subjects to which juristic rulings apply are purely conventional (*'urfī*) in nature, and identifying them is not the responsibility of the jurist but of the individual obligated to act. However, due to the complexity and specialized nature of some subjects, it is not feasible for the individual to make such determinations independently. In light of the increasing expansion of specialized and novel issues, this article highlights the necessity of utilizing other sciences and explains the mechanism for employing them in understanding such subjects. Using a qualitative analytical method based on genealogical analysis (*tabarshenāsi*), the process is outlined in two main stages: Stage One: Acquiring Information from Other Sciences, which includes the following steps: 1. Determining

* This article is extracted from a research project titled "*The Utilization of Other Sciences in Jurisprudential Subject Identification*," completed at the Research Center for Jurisprudence and Law, Islamic Sciences and Culture Academy.

1. **Cite this article:** Bayat, H. (2025). The mechanism of utilizing other sciences in jurisprudence for understanding specialized subjects. *Journal of Fiqh*, 32(122), pp. 166-195.
<https://doi.org/10.22081/jf.2025.69708.2833>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/08/14 ■ **Revised:** 2025/04/21 ■ **Accepted:** 2025/06/30 ■ **Published online:** 2025/08/01

© The Authors



the type of subject in terms of the degree of Sharī'a involvement; 2. Identifying relevant juristic titles and aspects connected with the sciences; 3. Determining the sciences related to the specific subject; 4. Consulting experts in the relevant field; 5. Collecting influential information related to the juristic dimensions of the subject. Stage two involves analyzing the information and issuing a fatwa, which includes the following steps: 1. Jurisprudential analysis of information obtained from other sciences 2. Identifying solutions to cognitive obstacles 3. Final synthesis of data gathered from other sciences 4. Establishing a connection between the final result and juristic dimensions and categories 5. Performing ijtihad and issuing a fatwa on the given subject

Keywords

Specialized subjects, subject analysis, subject identification, determining the subject, subjects of rulings.





سازو کار بهره‌گیری فقه از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات تخصصی^۱



حجت‌الله بیات ^{id}

Email: hojat.bayat@gmail.com

چکیده

اجتهاد، عملیاتی مرکب از شناخت موضوع و استنباط حکم و شناخت موضوع مقدم بر استنباط حکم است. بخش گسترده‌ای از موضوعاتی که احکام فقهی به آنها تعلق می‌گیرد، عرفی صرف‌اند که شناخت آنها به عهده فقیه نیست و خود مکلف باید آنها را تشخیص دهد اما به دلیل پیچیدگی برخی از موضوعات و تخصصی بودن آنها، برای مکلف مقدور نیست. این مقاله با توجه به گسترش روز افزون موضوعات تخصصی و مستحدثه، با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از سایر دانش‌ها، سازوکار بهره‌گیری از سایر دانش‌ها را در شناخت این دسته از موضوعات تبیین و فرایند آن را به روش تحلیل کیفی از نوع تبارشناسی ترسیم کرده است. این فرایند دو مرحله‌ای است: مرحله اول، اخذ اطلاعات سایر دانش‌ها که گام‌های آن عبارتند از: ۱. تعیین نوع موضوع از نظر میزان تصرفات شارع، ۲. کشف و تعیین عناوین و جنبه‌های فقهی مرتبط با علوم، ۳. تعیین دانش‌های مرتبط با موضوع مورد نظر، ۴. رجوع به متخصصان

* این مقاله مستخرج از پژوهشی با عنوان «بهره‌برداری فقه از سایر دانش‌ها در موضوع‌شناسی فقهی» است که در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پایان پذیرفته است.

۱. **استناد به این مقاله:** بیات، حجت‌الله. (۱۴۰۴). سازو کار بهره‌گیری فقه از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات تخصصی. فقه، ۳۲ (۱۲۲)، صص ۱۶۶-۱۹۵.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.69708.2833>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰



دانش مرتبط با موضوعات و ۵. جمع‌آوری اطلاعات مؤثر در جنبه‌های فقهی مرتبط با موضوع. مرحله دوم، تحلیل اطلاعات و صدور فتوا که گام‌های آن عبارتند از: ۱. تحلیل فقهی اطلاعات به‌دست آمده از سایر علوم، ۲. تعیین راهکارهای برون رفت از موانع شناختی، ۳. جمع‌بندی نهایی اطلاعات به‌دست آمده از سایر علوم، ۴. ایجاد پیوند بین نتیجه نهایی و ابعاد و عناوین فقهی و ۵. عملیات اجتهاد و صدور فتوا درباره موضوع مورد نظر.

کلیدواژه‌ها

موضوعات تخصصی، موضوع شناسی، شناخت موضوع، تعیین موضوع، موضوعات احکام.



مقدمه

نسبت به نقش علوم بشری در اجتهاد بویژه در موضوع شناسی فقهی مباحث پراکنده و کلیاتی مطرح شده است، اما اثر مستقلى که به صورت منسجم به ضرورت و سازوکار بهره‌برداری از سایر دانش‌ها در موضوع شناسی فقهی پرداخته باشد، یافت نشد.

بحث از سایر علوم مرتبط با موضوعات فقهی در شناخت موضوعات از این جهت مهم است که هر دسته‌ای از موضوعات در هر مرحله‌ای از شناخت ممکن است با دانش‌هایی مرتبط شود که لازم باشد دانش فقه برای تشخیص مفهوم، ماهیت و مصداق آن موضوع، از آنها کمک بگیرد (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۶).

بر خلاف استنباط احکام و شناخت موضوعات شرعی، بهره‌برداری فقه از سایر علوم در راستای موضوع شناسی فقهی یکی از ویژگی‌های خاص تشخیص موضوعات عرفی است؛ زیرا منبع استنباط احکام و شناخت موضوعات شرعی صرفاً کتاب، سنت و عقل است در حالی که منبع شناخت موضوعات عرفی تخصصی، علوم مرتبط با موضوعات و رجوع به متخصص در هر یک از آنها است (بیات، ۱۴۰۱، ص ۱۲۳).

از آنجا که موضوعات عرفی صرف، گسترده و متنوع‌اند، شناخت هر دسته‌ای از آنها در گرو بهره‌برداری فقه از علوم مرتبط با آن موضوعات است، آشنایی با دانش‌های مرتبط و بهره‌گیری از دستاوردهای آنها به فهم دقیق‌تر و صحیح‌تر موضوع و از رهگذر آن به فهم و صدور دقیق‌تر، صحیح‌تر و سریع‌تر حکم شرعی خواهد انجامید.

بنابراین برای شناخت چنین موضوعاتی عملاً راهی جز استفاده فقه از علوم مرتبط با موضوعات وجود ندارد. برای همین است که عموم فقها به این ضرورت تصریح کرده‌اند. فقیه هرگاه احتمال عقلایی بدهد که مقدمه‌ای در علمی وجود دارد که می‌تواند در سرنوشت استنباط او دخیل باشد، به حکم عقل باید چنین مقدمه‌ای را تنقیح کند (لاریجانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۴).

با توجه به پویایی و ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع مکلفان در سطوح مختلف، ورود متناوب انبوهی از موضوعات مستحدثه و تخصصی به دستگاه قضاوت

می‌بایست به فراخور این تحولات، مبانی نظری خود را به روز رسانی کند و سازوکارهای مناسبی را براساس ظرفیت‌هایی که در فقه و دانش‌های وابسته به آن وجود دارد برای بهره‌گیری از سایر علوم به منظور شناخت موضوعات احکام فقهی طراحی و مقدمات استنباط احکام را فراهم نماید.

در این باره آثاری همچون مقاله‌های «نقش علوم بشری در اجتهاد» و «موضوع‌شناسی فقهی و رابطه آن با علوم» نگاشته شده است اما در مقاله اول به علوم می‌فقه می‌تواند از آنها بهره‌برداری کند و یا سازکار بهره‌برداری فقه از سایر علوم اشاره‌ای نکرده است و مقاله دوم، صرفاً مقدماتی را درباره ضرورت موضوع‌شناسی مطرح کرده و به خطوط کلی ارتباط فقه با سایر علوم اشاره کرده و چندان به جزئیات و چگونگی بهره‌برداری فقه از سایر علوم نپرداخته است.

نوآوری‌های این مقاله علاوه بر بیان ادله ضرورت بهره‌برداری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات تخصص عبارت است از: بیان نمونه‌هایی از بهره‌گیری از سایر علوم، نقد وضعیت بهره‌برداری از سایر دانش‌ها و سازوکار فرایند بهره‌گیری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات تخصصی.

۱- ضرورت بهره‌گیری از سایر دانش‌ها

وقتی سخن از سایر دانش‌ها به میان می‌آید منظور متخصصان، یافته‌های علمی و فناوری‌های به‌دست آمده در سایر علوم است. از این‌رو در کلمات فقها دلایل مختلفی برای لزوم رجوع به قول کارشناس مطرح شده است که می‌توان موارد ذیل را نمونه‌هایی از آن دانست.

۱-۱. توانمندی در استنباط

دانش لغت در تشخیص مفاهیم موضوعات عرفی، دخالت مستقیم دارد. برخی از فقها معتقدند شناخت اوضاع و اژه‌هایی که در شناخت احکام شرعی که در سنت و کتاب آمده دخالت دارد، لازم است زیرا بسیاری از مسائل دانش‌های عربی که در

غرضی که علم اصول برای آنها تدوین شده است، باعث توانمندی بر استنباط احکام می شود. از این رو برخی از فقها فراگیری این علوم را لازم دانسته اند (نجفی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲).

۱-۲. مقدمه استنباط حکم

استنباط دقیق حکم، منوط بر شناخت دقیق موضوع است. برای نمونه دانش جغرافی از جمله علوم است که فقها برای شناخت برخی از موضوعات از آن نام برده اند و در ضرورت بهره گیری فقه از آن معتقدند: شناخت برخی از موضوعات از جمله تعیین جهت قبله بر دانشی که طول و عرض سرزمین ها را روشن می کند متوقف است. تا اینکه نسبت سرزمین ها با مکه - که خداوند شرافت آن را زیاد کند - و جهت قبله معلوم گردد (حسن زاده، ۱۴۱۶ق، ص ۵).

صاحب جواهر درباره بهره گیری از دانش های متناسب با موضوعات، از دانش هیئت، حساب، طب، هندسه نام می برد و دلیل آن را توقف مسائل فقهی بر این دسته اطلاعات می داند و به عنوان نمونه «اهله» را ذکر می کند که شناخت آن متوقف است بر آگاهی از دور و نزدیک بودن سرزمین ها که روشن شود ابتدای ماه در برخی مناطق با دیگری تفاوت دارد و شناخت ماهی که برای برخی از اشخاص بیست و هشت روز است و شناخت قبله که منوط بر شناخت عرض و طول سرزمین ها است و همچنین شناخت زوال که متوقف بر شناخت نصف النهار است. وی نمونه های دیگری از نیاز به سایر دانش ها می آورد؛ مانند تشخیص عیب (قَرَن) و همانند آن و متوقف بودن شناخت بیماری هایی که مجوز افطار است، بر دانش پزشکی (نجفی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۱۱۹).

۱-۳. مکمل اجتهاد

یکی دیگر از دلایل ضرورت بهره گیری از سایر علوم این است که بهره گیری از سایر علوم، مکمل اجتهاد است. مرحوم شهید ثانی در ذکر مقدمات اجتهاد و علمی که می بایست طالب علم بیاموزد معتقد است فراگرفتن این علوم موجب تکمیل نفس و

آمادگی برای تحصیل علوم دینی می گردد و از رهگذر فراگرفتن آنها قوه نظری و نیروی اندیشه انسان نیز تقویت می شود (حجتی، ۱۳۹۴، ص ۶۲۹؛ حکیم، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

عده‌ای بهره‌گیری از برخی دانش‌ها را مکمل و حتی از شروط اجتهاد دانسته‌اند و معتقدند که دانش معانی، بیان و بدیع، حساب، هیئت، هندسه، و پزشکی از مکمل‌های دانش اجتهاداند و برخی آگاهی از دانش معانی و بیان را از شروط اجتهاد دانسته‌اند. مانند سیدمرتضی، شهید ثانی و شیخ احمد بن مُتَوَّج بحرانی (بهبهانی ۱۴۱۵ق، ص ۳۴۱).

فاضل تونی در موضوع‌شناسی، شناخت علومی مانند برخی از مسائل حساب و جبر، برخی از مسائل علم هیئت، کیهان‌شناسی مربوط به کرویت زمین، تعداد روزهای ماه، برخی از مسائل هندسه، اشکال هندسی و برخی از مسائل طب، همانند تحقیق درباره وجود (قَرَن) و موانع جسمی زناشوئی را مکمل اجتهاد دانسته و تحصیل آنها را به صورت مشروط پذیرفته است. برخی از فقها برای شناخت برخی موضوعات عرفی از قبیل ارث، خمس، زکات و معاملات، به بهره‌گیری فقه از دانش حساب و ریاضیات اشاره کرده‌اند (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

۴-۱. حصول اطمینان

برخی فقها مانند علامه فضل الله، اعتماد بر محاسبات فلکی را کافی می‌دانند. ایشان معتقد است که انسان در وجود واقعی زمان بلکه در تحدید زمان نقشی ندارد، بلکه باید آن را کشف کند؛ چون زمان، قبل از وجود انسان بوده است.

سیاق ادله نشان می‌دهد که اعتبار رؤیت امری تعبدی نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اطمینان است. پیشرفت‌های علمی هم اکنون به حدی رسیده است که نشان می‌دهد محاسبات فلکی بسیار دقیق است و این محاسبات چه درباره ولادت هلال یا امکان پذیر بودن رؤیت هلال، کاملاً قابل اعتماد است و هیچ ربطی به مسئله تنجیم و پیش‌گویی براساس اوضاع ستارگان ندارد.

وی مدعای خود را در قالب منطقی و متشکل از صغرا و کبرا چنین بیان می‌کند: محاسبات نجومی درباره تولد هلال قطع‌آور است (صغرا)، هر طریق قطعی برای اثبات

هلال، چه رؤیت حسی باشد یا غیر آن، شرعاً معتبر است (کبرا)، پس محاسبات نجومی برای تولد هلال شرعاً معتبر است (نتیجه) (اسلامی، ۱۳۸۹).

نجوم، از پیش قراولان پیشرفت علوم تجربی است و از آنجا که جزو نزدیک‌ترین دانش‌ها به ریاضیات است، در مرتبه یقین‌آورترین علوم نیز ارزیابی می‌شود؛ بنابراین یافته‌های نجومی جدید، که با ابزار نوین به دست می‌آید، دارای ارزش انکارناپذیر علمی است و می‌تواند در تبیین برخی از موضوعات احکام فقهی همچون رؤیت هلال، مورد استفاده قرار گیرد (سمیعی، ۱۳۸۳، صص ۳۱-۴۶).

ممکن است گفته شود که فقیه می‌تواند «علی‌الفرض» جواب دهد و نیازی به رجوع به متخصص ندارد. اگر این سخن را درباره موضوعات منصوص بپذیریم، «موضوع‌شناسی فقهی» در صدد است اما و اگرها را در پاسخ‌گویی به استفتائات کاهش دهد؛ بنابراین با دلایلی که مطرح شد روشن می‌شود که رجوع به کارشناس و بهره‌گیری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات کیفیت و کاربردی بودن فتوا را ارتقاء می‌دهد. ضمن آنکه فقیه نسبت به موضوعات مستحدثه و تخصصی گاه هیچ تصویری نسبت به عنوان مورد نظر ندارد تا بتواند حتی «علی‌الفرض» فتوا دهد.

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که نسبت به بهره‌گیری فقه از سایر علوم برای شناخت موضوعات احکام فقهی نه تنها بین فقها اتفاق نظر وجود دارد که عملاً این کار انجام شده و می‌شود. اما آنچه نیاز به کاوش دارد و باید روشن شود، سازوکار این بهره‌برداری است. در ادامه به نقد کم و کیف بهره‌برداری فقه از سایر علوم در شناخت موضوعات مستحدثه و تخصصی می‌پردازیم.

۲. عدم بیان سازوکار بهره‌گیری فقه از سایر علوم در کلام فقه

در منابع فقهی قدیم علی‌رغم ارجاع به سایر علوم برای شناخت موضوعات، به سازوکار بهره‌گیری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات اشاره‌ای نشده است. چنان‌که بعضی از فقها به دانش هیئت احاطه داشته‌اند، بدون اینکه به کم و کیف آن اشاره کرده باشند

(غروی، ۱۴۲۱ق، ص ۳). برخی از دانش‌هایی که فقها برای شناخت موضوعات به آنها ارجاع داده‌اند عبارت است از:

۱-۲. ارجاع به دانش پزشکی

برای تشخیص موضوعات ذیل به دانش پزشکی ارجاع داده است؛ از قبیل اضطراب و جواز سقط جنین، در صورتی که زندگی مادر، به خطر بیفتد (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۴۳). جواز ورود مواد مخدر در زندان، برای معتادی که جانش در خطر است (شیرازی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۰)، اضطرابی بودن نظر به عورت بیمار و خطر عقلایی برای جان وی در صورت عدم نظر (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۶)، تعیین مفهوم و مصداق ضرر (اراکی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۳۱)، امکان فسخ نکاح به دلیل امراض زوج، قبل از موعد یک سال (سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۵)، تشخیص اطلاق فرزند بر انسان شبیه‌سازی شده (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۰)، تعیین مقدار ارش (خویی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۷)، تشخیص ضرر و نفع داشتن یا نداشتن (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۱۵)، تشخیص قاتل بودن خمر، در وضعیت تشنگی اضطرابی (قندهاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۱۷)، تعیین دیه کامل با توجه به امکان معالجه و ترمیم اعضا (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۴۰۵)، تشخیص مباح بودن افطار برای بیمارانی که روزه برای آنان ضرر دارد (نجفی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۱۹).

۲-۲. ارجاع به دانش هیئت

در برخی از منابع فقهی برای تشخیص موضوعات ذیل، به دانش هیئت ارجاع داده شده است. مانند: تشخیص رؤیت هلال «ثُمَّ إِنَّ عَلَى عَاتِقِ الْحَكَّامِ وَالْمَسْئُولِينَ مَسْئُولِيَّةَ جَسِيمَةٍ تَتَلَخَّصُ فِي ضَرُورَةِ اسْتِشَارَةِ الْأَخْصَانَيْنِ فِي كُلِّ مَسْأَلَةٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا يُبَيِّنُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ» (فاطر، ۱۴) و عدم الاقتصار علی علماء الفقه و الدین (مختاری و دیگران، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۲۱۲)، تشخیص اوقات نماز (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳).

۳-۲. ارجاع به دانش‌های ریاضی و هندسه

برخی فقها برای تعیین ارث و مقادیر آب کر و زکات به دانش ریاضی و هندسه

ارجاع داده‌اند (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۱). برخی از منابع فقهی برای تشخیص مفهوم الفاظی که عرف عام توانایی به دست آوردن آنها را ندارد به متخصصان مرتبط با هر موضوعی ارجاع داده‌اند (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۴۰۱). برخی از فقها به ارتباط فقه با سایر دانش‌ها و کاربرد هر کدام از آنها در شناخت موضوعات به صورت جزئی‌تر نیز اشاره کرده‌اند. از قبیل فیزیک، شیمی و طب (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۸-۹).

علاوه بر این ارجاعات و فقدان بیان سازوکار بهره‌برداری از سایر علوم، بررسی پژوهش‌های انجام شده با عنوان موضوع‌شناسی در سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد در غالب آنها مشکلات روشی، محتوایی و ساختاری وجود دارد و نه تنها به سازوکار بهره‌گیری از سایر علوم پرداخته نشده که در فرایند موضوع‌شناسی، روش روشنی برای بهره‌گیری از سایر علوم در شناخت موضوعات احکام صورت ارائه نشده است.

این وضعیت می‌تواند زمینه‌ساز تشتت موضوع‌شناسی و اختلافات فتوایی شود. بنابراین چنین وضعیتی که همچنان رو به افزایش است ضرورت ساماندهی کم و کیف بهره‌گیری از سایر دانش‌ها و فنون را در شناخت موضوعات تخصصی و مستحدثه دو چندان می‌کند. قبل از آنکه به فرایند و سازوکار مورد نظر پردازیم وضعیت موجود را مرور و نقد می‌کنیم.

همان‌گونه که می‌دانیم در جریان شناخت موضوعات تخصصی و مستحدثه عامل مهمی که به مطالعات و تحقیقات جهت می‌دهد و بر نحوه استنباط حکم آنها به شدت تأثیر می‌گذارد، روش شناخت این موضوعات است. اینکه فقیه از چه مبانی و پیش‌فرض‌هایی شروع می‌کند و با استفاده از چه ملاک‌ها و معیارهایی به تجزیه و تحلیل این نوع موضوعات می‌پردازد، در استنباط حکم یک موضوع بسیار تأثیرگذار است.

حضرت امام علیه السلام در موضوعات عمومی و مربوط به عرف عام، عرف را ملاک تشخیص دانسته و در مسائل مشکل و نیازمند به تحقیق و بررسی به نقش خبرگان و متخصصان در شناخت موضوعات بسیار بهاء می‌دادند. و با مشورت خبرگان و تحقیقات اهل فن به فتوا نسبت به موضوعات عرفی فتوا می‌دادند.

برای نمونه در ماجرای پولک داشتن و حلیت ماهی اوزوم برون، حضرت امام بعد از تأیید متخصصان آبریان مبنی بر اینکه ماهی مورد نظر دارای فلس و پولک است به حلیت آن فتوا دادند و موضوعی که سال‌های سال بر اثر ابهام و روشن نبودن موضوع حرام بود با اثبات پولک در آن، به حلیت آن حکم دادند. پاسخ امام راحل، به سؤال علمای گیلان نسبت به حلیت و حرمت ماهی اوزون برون چنین است: «در مورد ماهی مورد سؤال نظر متخصصین مورد اعتماد معتبر است و بر طبق آن عمل شود» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۸).

یکی از جنبه‌های ضابطه‌مند سازی عرف برای بهره‌گیری از نظر کارشناس در شناخت موضوعات این است که روشن شود عرف متخصص باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد و رأی او از چه بابی حجت است؟ در این باره مجموعه‌ای از نظر کلی وجود دارد: یکی اینکه از باب رجوع به خبره باشد دوم اینکه از باب ثقه باشد و سوم اینکه به عنوان بینه باشد.

بدیهی است که هر کدام از این موارد مبنای حجیت نظر کارشناس باشد برای اعتبار یافتن نظر وی شرایطی لازم است. البته ممکن است به تناسب نوع و پیچیدگی موضوعات قائل به تفصیل شویم و به صورت اقتضایی عمل کنیم.

برای نمونه اگر نظر کارشناس بر مبنای رجوع به اهل خبره باشد براساس سیره عقلا فقط خبرویت وی کافی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۵۹۳) و دیگر نیاز به وثاقت و یا عدالت و ایمان ندارد اما اگر براساس رجوع به ثقه و یا از باب رجوع به بینه باشد طبعاً برای حجیت داشتن نظر کارشناس باید ویژگی‌های دیگری از قبیل وثاقت، ایمان و عدالت نیز در نظر گرفته شود.

از میان این شرایط، آنچه که بیشتر مورد توجه و تأکید فقهاست دو ویژگی «عدالت و تعدد اهل خبره» است. به نظر می‌رسد با توجه به تنوع و پیچیدگی موضوعات نمی‌توان نسبت به اعتبار رأی کارشناس در همه موضوعات به صورت یکسان نظر واحدی داد. بنابر این لازم است تناسب موضوع و موقعیت کارشناس را لحاظ کنیم. بدین معنا که در موضوعات معمولی و غیر مهم از باب رجوع به اهل خبره و با تکیه به رأی یک

کارشناس و صرف خبرویت کافی است اما نسبت موضوعات مهم باید تعدد و ویژگی‌های دیگری را چون عدالت و وثاقت نیز لحاظ کرد.

نظر به اینکه از طرفی موضوعاتی که فقه برای تشخیص آنها نیاز به بهره‌گیری از سایر علوم دارد متفاوت هستند و از طرف دیگر موضوعات مورد نظر ممکن است در سطح فقه فردی، اجتماعی و یا حتی فقه حکومتی مورد بررسی قرار گیرند، باید به تناسب موقعیت هر موضوعی اعتبار و حجیت قول کارشناس را معیار قرار دهیم.

از آنجا که اختلاف نظر در کارشناسی امری طبیعی است، بنابراین گاهی امکان دارد به هر دلیلی میان کارشناسان یک علم درباره موضوعی خاص اختلاف نظر پیش بیاید در این صورت دستگاه فقاقت همچنان که برای برون رفت از تعارضات و تردیدها در فرایند استنباط احکام قواعد و اصولی دارد باید راه‌هایی را برای برون رفت از این موانع در شناخت موضوعات نیز باید راه‌هایی را تدبیر نماید.

با توجه به کاربردهای متخصص در شناخت موضوعات و پیچیدگی موضوعات در این زمان و کافی نبودن روش‌های پیشین، نیاز به الگوی کارآمد شناسایی و کشف معیارهای بهره‌گیری از متخصصان احساس می‌شود. در روزگار معاصر به دلیل اینکه دانش تجربی بشر پیشرفت کرده، لازم است روش‌های جدید برای استنباط مسائل عرفی و رفتارشناسی، تجربه و به کار گرفته شود.

روش‌های تجربی، پیچیدگی‌ها و کمبودهای خاص خود را دارد و استفاده از آنها برای کشف عرف با رویکرد مباحث فقهی و دینی، نیازمند شناخت نقاط ضعف و قوت ابزارهای جدید کشف عرف و متناسب سازی آنها با نیازهای جدید است؛ مانند برگزاری سمینار متخصصان علوم زیست‌شناسی در سال ۱۳۶۲ به فرمان امام خمینی علیه السلام در بندر انزلی برای تعیین فلس (پولک) داشتن یا نداشتن «تاس ماهی»، «فیل ماهی» و «ماهی اوزون برون» (رحمانی، ۱۳۷۴، صص ۱۶۶ - ۱۶۷).

در منابع فقهی در موارد متعددی به متخصص ارجاع شده اما هیچ سازو کار و روشی برای چگونگی رجوع و اخذ اطلاعات بیان نشده است (علوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷۷). بنابراین دستگاه فقاقت با توجه به موقعیت موضوعات باید رجوع به کارشناس را نیز ضابطه‌مند

کند تا نظر کارشناس به تناسب نوع و مراحل شناخت موضوعات از اعتبار لازم برخوردار باشد.

میزان بهره‌برداری از علوم، بستگی به نوع موضوعات و گستردگی مسائل فقهی مربوط به آنها دارد. برای نمونه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر فقه با دانش پزشکی و پس از آن با دانش اقتصاد بیشترین تعاملات را داشته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۸).

برای نمونه یکی از موضوعات ضرر است، که صرف نظر از مفهوم، ابعاد و مصادیق مختلفی دارد که طبعاً به تناسب ابعادی که پیدا می‌کند برای تعیین مصادیق آن در حوزه‌های مختلف باید به نهادهای مربوط واگذار شود؛ مانند ضرر جانی، ضرر مالی، ضرر روحی روانی، ضرر اجتماعی و ...

بنابراین هر موضوعی ممکن است با دانش و حتی دانش‌های متعددی مرتبط شود که فقه برای تبیین آن نیازمند بهره‌گیری از همه آن دانش‌هاست.

۳. ضرورت قاعده‌مندسازی بهره‌گیری از سایر دانش‌ها

مهندسی علوم می‌تواند از آنها برای شناخت موضوعات بهره‌برداری کند یکی از نیازهای دستگاه فقا‌هت است. «مهندسی علوم به کشف گستره ارتباط علوم، آگاهی از عرصه‌های متنوع دانش‌ها، طرح ریزپایه‌های تدریس و تحقیق درست، ارزشیابی دانش‌های موجود، بازشناسی نیازهای میان رشته‌ای و مدیریت دانش‌ها و تولید علم می‌انجامد» (یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱-۱۳۴).

دانش آنتولوژی (هستی‌شناسی) در نسبت موضوعات و ارتباطات آنها با یکدیگر و تشخیص آنها می‌تواند روند بهره‌گیری از سایر علوم در شناخت موضوعات کمک کند (حسن‌زاد، ۱۳۸۳، ص ۵۴-۷۴)؛ از این رو طبقه‌بندی علوم از دیرباز مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده است. تعداد علوم، احصاء علوم، وجه تمایز علوم، تقاسیم علوم، طبقه‌بندی علوم، وجوه اشتراک و تمایز علوم و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر از جمله بحث‌هایی است که همواره در مسیر توسعه علوم مطرح بوده است.



مسئله‌ای که پس از گسترش و توسعه و انشعاب علوم پیش می‌آید، احصاء و سپس رده‌بندی آنها است. این موضوع از نظر ماهیت تعلیم و تربیت و اخذ نتیجه در فراگیری دانش، کاری بسیار مهم و ضروری است، زیرا دانش ما باید نخست به صورت دقیق انشعاب یابد تا بتواند در حوزه ویژه هر موضوعی، پژوهش کافی به عمل آورد.

بدیهی است که هم زمان با گسترش علوم، تقسیم و طبقه‌بندی آن، نیز برای مدیریت دانش‌های بشری ضرورت می‌یابد. زیرا مطلوب هر انسان متفکری این است که از ساختار ذهنی منسجمی برخوردار باشد و از ذهن به هم ریخته و ساختمان فکری آشفته، نمی‌توان امید تفکر و اندیشه درست داشت. برای همین است که در تاریخ علوم، دانشمندان به طبقه‌بندی علوم اهتمام خاصی داشته‌اند.

قبل از آنکه به قاعده‌مندسازی بهره‌گیری فقه از سایر دانش‌ها وارد شویم لازم است به دو پرسش مهم در این باره پاسخ دهیم.

الف) آیا شناخت موضوعات در سه سطح فقه فردی، اجتماعی و فقه نظام، تفاوت‌هایی در بهره‌گیری از سایر علوم ایجاد می‌کند؟ به نظر می‌رسد هر چه سطح فقه بالاتر برود علاوه بر اینکه موضوعات ابعاد مختلفی پیدا می‌کنند. ممکن است تعداد علمی که در شناخت موضوعات دخالت دارند نیز افزایش یابد.

برای مثال «سقط جنین» در سطح فردی موضوعی ساده به نظر می‌رسد که می‌توان نسبت به آن فتوا داد ولی وقتی توسعه پیدا کند و به عنوان موضوعی اجتماعی و حاکمیتی مطرح شود دارای ابعاد جدید سیاسی، فرهنگی و اخلاقی می‌شود که باید برای صدور فتوا آنها را نیز مد نظر قرار داد.

ب) آیا در بهره‌گیری فقه از سایر علوم برای شناخت موضوعات صرفاً اطلاعات جاری و روبنایی علوم کفایت می‌کند یا لازم است، مبادی، مبانی، اهداف، روش و آثار آنها نیز مد نظر باشد؟

گام مهم دیگری که در دستگاه فقاقت باید برداشته شود، متناسب‌سازی موضوعات با سایر دانش‌های بشری است.

بعد از آنکه معلوم شد موضوع مورد نظر در چه دسته‌ای از موضوعات قرار می‌گیرد

و برای شناخت هر کدام از انواع موضوعات و مراحل شناخت آنها از چه نوع دانش‌هایی می‌توان بهره برد. مثلاً برای شناخت موضوعاتی چون رؤیت هلال از دانش نجوم و هیئت، تعیین جهت قبله از دانش جغرافیا، شناخت ماهیت پول، تورم، بانک و ... از دانش اقتصاد، و برای شناخت ماهیت سحر می‌توان از فلسفه و یا علوم غریبه بهره برد. برای نمونه وقتی فقیه می‌خواهد درباره رمازرها فتوا دهد، ابتدا باید ماهیت آن را بداند، از این رو لازم است موضوعات مبنایی‌تر را بشناسد مانند اینکه باید بداند اساساً پول چیست؟ آیا همان چیزی است که سابقاً رایج بوده است؟ چه تحولات عرفی درباره پول و پشتوانه آن همچنین انواع آن رخ داده است. تا بعد بداند رمز ارز چیست؟ چگونه به وجود می‌آید؟ و چه عناوین فقهی در فرایند آن مطرح شود که نیاز به استنباط حکم دارد؟

شناخت ماهیت «هوش مصنوعی» یا جنبش‌ها و شبکه‌های اجتماعی از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردارند و ابعاد بسیاری دارند. حال فقیه چگونه و با چه سازوکاری می‌تواند چنین موضوعاتی را بشناسد و درباره آنها فتوا بدهد؟

اگر ماهیت هوش مصنوعی را شناختم باید بدانم الان صنعت دیجیتال در دست چه کسانی است؟ سهم ما چقدر است از طرفی بیماری‌هایی را علاج می‌کند برخی هم معتقدند که بیماری‌هایی را ایجاد می‌کند حال باید فقیه همه این مسائل را بشناسد تا موضوع برای او روشن شود و بتواند فتوا دهد. آیا فقیه خود به تنهایی چنین توانی را دارد؟ و اگر ندارد با چه سازوکاری باید این قبیل موضوعات را بشناسد؟

سازوکار بهره‌برداری از سایر علوم و فنون به فقه اگرچه تا اندازه‌ای سامان یافته اما هنوز هم بیشتر سلیقه‌ای و از طریق اعتماد به افراد متخصص است در حالی که با توجه به پیچیدگی موضوعات این روش قابل اعتماد نیست و باید شیوه‌هایی کامل‌تری ابداع شود.

در حال حاضر وقتی فقها با یک مسئله مستحدثه تخصصی روبرو می‌شوند از کارشناسان مورد اعتماد خود می‌خواهند تا موضوع را تعریف کرده و مشخصات آن را بیان کنند، سپس با اعتماد به نظر این کارشناسان فتوا می‌دهند. کارشناسان ضمن تحقیق

درباره موضوع و جمع‌آوری اطلاعات گوناگون در مورد آن، تلاش می‌کند تا تصویر روشنی از وضعیت موضوع در اختیار فقیه بگذارند تا وی بتواند براساس این اطلاعات فتوا بدهد.

روشن است که در این مقام هرگونه ابهام و تردید درباره موضوع، کار فقیه را برای صدور فتوا مشکل می‌سازد. چون پژوهش‌های اجتهادی فقیه در این بخش با مطالعات علمی کارشناسان به هم وابسته است و بر هم تأثیر می‌گذارد.

وقتی دستگاه فقاقت با چنین سؤالی مواجه می‌شود که حکم استفاده از «تراریخته» یا «بانک اسپرم» یا «بانک شیر» چیست؟ بدیهی است دانستن معنای لغوی و حتی اصطلاحی واژه‌های «تراریخته» «بانک اسپرم» و «بانک شیر» ثمره‌ای برای بهره‌گیری فقه از سایر علوم در شناخت چنین موضوعاتی ندارد. مگر به عنوان یک مفاهمه ابتدایی و معبری برای ورود به درون و شناخت ماهیات این موضوعات.

لازم است برای فقیه روشن شود که ماهیت و آنچه به عنوان «تراریخته» اتفاق می‌افتد چیست؟ چه عملیاتی ضمن آن صورت می‌گیرد و چرا و چگونه موضوع حکم فقهی قرار می‌گیرد؟ و چه اطلاعات علمی مربوط به آن می‌تواند به شناخت فقهی این موضوع بینجامد؟ بنابر این اگر موقعیت و جنبه‌هایی بالفعل و بالقوه فقهی چنین موضوعاتی در ابتدای فرایند شناخت، متصور نباشد، به صورت طبیعی ممکن است در مسیر پژوهش اطلاعاتی صرفاً علمی جمع‌آوری شود که در شناخت فقهی این موضوع، ثمری نداشته باشد.

از این رو لازم است فقیه در سایه فرایند و سازوکار دقیق مربوط به هر کدام از موضوعات تخصصی و مستحدثه از روند شکل‌گیری و اتفاقاتی که در هر یک از اینها اتفاق می‌افتد که با توجه به فعل مکلف با عناوین منصوص و اولیه پیوند می‌خورد را کشف کند.

فقیه به گزارش‌های متخصصان علوم مربوط به هر موضوعی، با نگاه فقهی نیاز دارد. بنابراین مهم اتفاقاتی است که در موضوعات مستحدثه و تخصصی می‌افتد که باید آنها را به زبان فقهی ترجمه کنیم چون این اصطلاحات در نصوص نیامده است.

از آنجا که سازوکار بهره‌گیری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات مستحدثه و تخصصی هنوز هم بیشتر سلیقه‌ای و یا از طریق اعتماد به افراد متخصص است اما به دلیل پیچیدگی این نوع موضوعات این روش‌ها قابل اعتماد نیست و باید شیوه‌هایی کامل‌تری ابداع شود.

اکنون نوبت به این رسیده است که سازوکار اخذ اطلاعات سایر دانش‌ها و انتقال آنها به دستگاه فقه تا صدور فتوا را به صورت روشن و متقن ترسیم کنیم. برای بهره‌گیری بهینه فقه از سایر علوم در شناخت موضوعات فرایند ذیل در دو مرحله پیشنهاد می‌شود.

۴. فرایند بهره‌گیری فقه از سایر دانش‌ها تا صدور فتوا

با توجه به دلایل ضرورت بهره‌برداری فقه از سایر دانش‌ها و نقد وضعیت موجود اکنون به فرایند سازوکار بهره‌برداری فقه از سایر علوم برای شناخت موضوعات تا صدور فتوا در دو مرحله می‌پردازیم

مرحله اول: سازوکار اخذ اطلاعات از سایر دانش‌ها

اگرچه در منابع فقهی سخن از رجوع به متخصص و بهره‌گیری از سایر علوم به میان آمده است، اما درباره سازوکار اخذ اطلاعات سایر دانش‌ها و انتقال آن به دستگاه فقه و چگونگی تأثیر این اطلاعات در اجتهاد و صدور فتوا چندان سخن صریحی به چشم نمی‌خورد. بدیهی است این بحث بعد از آن مطرح می‌شود که ما ضرورت بهره‌برداری از سایر علوم و حجیت راه، ابزار و روش به دست آوردن اطلاعات از سایر علوم را پذیرفته باشیم. فرایند و سازوکار اخذ اطلاعات از سایر دانش‌ها را در دستگاه فقه را می‌توان چنین ترسیم کرد:

۱- تعیین نوع موضوع از نظر میزان تصرفات شارع

اولین گام در فرایند موضوع‌شناسی تعیین نوع موضوع - از نظر میزان تصرف شارع

- است. زیرا براساس نوع موضوع، ارکان شناخت هر دسته از موضوعات مشخص می‌شود (بیات، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰). از آنجا که تعیین نوع موضوع به لحاظ میزان تصرفات شارع به عهده فقه است، بنابراین ابتدا باید فقیه تعیین کند موضوع مورد نظر که قرار است در فرایند شناخت قرار گیرد، در کدام دسته از موضوعات قرار می‌گیرد. طبعاً موضوعات شرعی، در بحث بهره‌گیری فقه از سایر دانش‌ها جایی ندارند.

باید توجه داشت که موضوعات غیرمنصوص و بویژه موضوعات مستحدثه، عموماً عرفی‌اند، بنابراین عملیات تشخیص نوع موضوع به‌عنوان اولین گام در سازوکار اخذ اطلاعات از سایر علوم از طرف فقیه، بیشتر در موضوعات منصوص که نیازمند اجتهاد و استنباط‌اند، مطرح می‌شود.

برای نمونه «تراریخته» موضوعی مستحدثه است، فقیه در ابتدای امر هیچ تصویری نسبت به آن ندارد و نمی‌تواند نسبت به توسعه، آموزش و یا مصرف محصولات آن فتوا بدهد. او فقط با عناوین منصوصی مانند «ضرر» و «نفی سیل» آشناست اما نمی‌داند که محصولات تراریخته چه فرایندی طی می‌کند و در عملیاتی که صورت می‌گیرد چنین محصولاتی چه نسبتی با این دو واژه منصوص «ضرر» و «نفی سیل» پیدا می‌کند.

۲- کشف و تعیین عناوین و جنبه‌های فقهی مرتبط با علوم

در فرایند شناخت موضوعات احکام فقهی، تعیین عناوین و جنبه‌های فقهی موضوعات را از مراحل شناخت آنها دانستیم. این مرحله متصدیان شناخت موضوعات را کمک می‌کند که جنبه‌ها و عناوین فقهی موضوع مورد نظر را که برای تبیین آنها به بهره‌گیری از سایر دانش‌ها نیاز داریم، کشف کنیم تا مقدمات استفاده از سایر دانش‌ها فراهم شود. در بحث محصولات تراریخته به عناوینی چون، «سلطه غذایی»، «ضرر» و ... بر می‌خوریم. در این صورت باید ابعاد ضرر محتمل در محصولات تراریخته را روشن شود و مقدمات اینکه برای شناخت این ابعاد و عناوین فقهی باید از کدام دانش‌ها بهره ببریم فراهم گردد.

۳- تعیین دانش‌های مرتبط با موضوع مورد نظر

پس از آنکه جنبه‌ها و ابعاد فقهی موضوعات، روشن شد باید بررسی شود که تبیین مفهوم، ماهیت و مصداق با کدام یک از دانش‌ها مرتبط می‌شود و از کدامیک از آنها می‌توانیم بهره‌برداری کنیم؟ برای نمونه درباره عنوان سلطه غذایی محصولات تراریخته، به علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و سایر دانش‌هایی که ما را در مفهوم، ماهیت و مصداق سلطه غذایی یاری می‌رساند، نیاز داریم.

برای روشن شدن مفهوم، ماهیت و مصادیق ضرر، باید به تناسب انواع ضرر مانند ضرر جانی از دانش پزشکی، سلامت و تغذیه بهره ببریم. با توجه به پیچیدگی و چند وجهی بودن برخی از موضوعات که گاه دارای ابعاد، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و روانشناسی‌اند، باید ارتباط موضوع مورد نظر با همه دانش‌های مرتبط و دخیل در تبیین موضوع را کشف کرد.

۱۸۵



۴- رجوع به متخصصان دانش مرتبط با موضوعات

پس از آنکه دانش‌های مرتبط و دخیل در تبیین موضوع مورد نظر کشف شد، نوبت به این می‌رسد که چگونه باید از دانش‌های مرتبط برای تبیین موضوع بهره‌برداری شود؟ این بهره‌برداری ممکن است به صورت‌های مختلف و با رجوع به منابع گوناگون مربوط به آن علوم صورت گیرد. متصدی شناخت موضوع به تناسب نوع و مرحله شناخت موضوع، با مراجعه به متخصصان مربوط، منابع مکتوب و یا آزمایشگاه‌ها و سنجه‌هایی که نسبت به موضوع مورد نظر وجود دارد بهره‌برد.

برای نمونه یکی از موضوعات، مقدار حد ترخص و مسافت شرعی است که در روایات شاخص‌های آن به صورت‌های مختلف بیان شده است. از آنجاکه قیود آنها تماماً عرفی‌اند، اما تشخیص آنها برای مکلف ممکن نیست؛ بنابراین برای تشخیص مفهوم، ماهیت و مصداق برخی اصطلاحات به کار رفته در روایات و تعیین حدود و محاسبه فواصل، برخی از مکان‌های مورد نظر، می‌توان از متخصصان تاریخ و جغرافیا بهره برد.

۵- جمع‌آوری اطلاعات مؤثر در جنبه‌های فقهی مرتبط با موضوع

متصدی شناخت با رجوع به کارشناسان و سایر منابع دانش‌های مرتبط با موضوعات، اطلاعات مناسب جمع‌آوری، بررسی و تحلیل می‌کند. در این مرحله ممکن است درباره اطلاعات به‌دست آمده اختلاف نظرهایی بین کارشناسان و منابع وجود داشته باشد که متصدی شناخت موضوع، باید آنها را بررسی و تحلیل کند و جمع‌بندی خود را به‌عنوان اطلاعات معتبر برای ورود به دستگاه فقاقت جهت استنباط احکام، آماده نماید.

در جمع‌آوری اطلاعات باید دقت شود که هر نوع اطلاعات علمی اگرچه متقن اما جنبه فقهی نداشته باشد در فرایند موضوع‌شناسی فقهی کاربردی ندارد، زیرا حکم شرعی روی عناوین منصوص رفته است و در این مرحله موضوع‌شناس تلاش می‌کند اطلاعاتی را از موضوعات به‌دست آورد که نسبت آن موضوع را با عناوین منصوص روشن می‌کند (بیات، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴).

برای نمونه در بررسی‌های میدانی اگر به کمک دانش پزشکی اطلاعات قابل اطمینانی به‌دست آمد که محصولات تراریخته ضررهای معتابه‌ای برای انسان و محیط زیست دارد و یا اینکه به کمک دانش سیاسی - امنیتی روشن شد این نوع محصولات سبب وابستگی به دشمن و نهایتاً سلطه غذایی آنان بر جوامع اسلامی می‌شوند این نوع اطلاعات می‌تواند جنبه‌های فقهی داشته باشد و به فقیه در صدور فتوا کمک نماید.

پس از آنکه اطلاعات سایر دانش‌ها به تناسب هر کدام از موضوعات طبق فرایند و سازوکار یاد شده، به‌دست آمد و نتیجه نهایی آن روش شد، نوبت به آن می‌رسد که این اطلاعات به دستگاه فقاقت وارد شود و مراحل و سازوکارهای دیگری را طی کند تا به مرحله افتا برسد. اگرچه متصدی شناخت موضوع، در این مرحله وظیفه خود را انجام داده اما در مواردی که ابهام و یا نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد باید، منتظر تعامل با دستگاه فقاقت باشد.

مرحله دوم: سازوکار انتقال اطلاعات به دستگاه فقاقت

بعد از اینکه اطلاعات جمع‌آوری و بررسی و تحلیل شد نوبت به آن می‌رسد که

اطلاعات مورد نظر به دستگاه فقاها ت وارد شود و در فرایند استنباط و صدور حکم قرار گیرد. در این مقطع لازم است مراحل ذیل طی شود:

۱- تحلیل فقهی اطلاعات به دست آمده از سایر علوم

اطلاعات به دست آمده، مواد خامی است که بعد از ورود به دستگاه فقاها ت برای آنکه فقیه حکم آن را استنباط کند لازم است فقیه درباره اطلاعات به دست آمده، دو کار را انجام دهد: ابتدا اعتبار سنجی اطلاعات به دست آمده و دیگری جامع نگری و تناسب اطلاعات به دست آمده با جنبه های فقهی مورد نظر، بنابر این اطلاعات به دست آمده باید به گونه ای باشد که اولاً با مبانی فقیه مورد نظر هماهنگ باشد، ثانیاً اطلاعات با روش معتبری به دست آمده باشد. برای نمونه اگر مبنای فقیه این باشد که درباره فلان موضوع، مخاطب شارع عرف عام است و نباید به متخصص رجوع کرد، اگر در شناخت آن موضوع به متخصصان رجوع شده باشد اطلاعات به دست آمده برای این فقیه اعتبار ندارد. بنابر این در صورتی که هر یک از این دو ویژگی در اطلاعات ارائه شده به دستگاه فقاها ت وجود نداشته باشد، تلاش های موضوع شناسانه بی ثمر خواهد بود.

۲- تعیین راهکارهای برون رفت از موانع شناختی

پس از آنکه اطلاعات مورد نظر، از نگاه فقهی تحلیل و بررسی شد، ممکن است فقیه برای صدور فتوا درباره موضوع مورد نظر با موانع شناختی از قبیل تردید و تعارض مواجه شود. مثل اینکه نسبت به اطلاعات مربوط به موضوع مورد نظر، نظرات کارشناسی معارضی هم وجود داشته باشد. و یا فقیه در مواجهه با اطلاعات به دست آمده شک نماید. در این صورت فقیه باید برای برون رفت از این موانع، قواعد و ابزارهایی را برای برون رفت از موانع شناختی تدارک ببیند (بیات، ۱۴۰۱، ص ۱۸۸-۱۹۲).

۳- جمع بندی نهایی اطلاعات به دست آمده از سایر علوم

در صورتی که فقیه نسبت به موضوع مورد نظر با موانع شناختی مورد تردید و یا

تعارض قرار گیرد، لازم است براساس مبانی نظری خود علت موانع و راه‌های برون رفت از آنها را بررسی کند و به کمک اصول، ابزارها و قواعد و یا مرجحات، اطلاعات مورد نظر را بررسی و نهایی کند.

۴- ایجاد پیوند بین نتیجه نهایی و ابعاد و عناوین فقهی

پس از این مراحل، اکنون اطلاعات قابل اطمینانی در اختیار فقیه قرار گرفته است که باید در فعالیت اجتهادی خود بین اطلاعات به دست آمده و عناوین فقهی ارتباط وثیقی ایجاد کند تا بتواند حکم آن را استنباط و نظر فقهی خود را اعلام نماید. برای نمونه فقیه باید در تحلیل اطلاعات به دست آمده و گزارشی که از عملیات تراریخته رخ می‌دهد بتواند بین آنها و عناوین منصوص پیوند ایجاد کند و به این نتیجه برسد که آیا آنچه اتفاق می‌افتد مصداق ضرر و یا سلطه غذایی هست یا نیست؟

۵- عملیات اجتهاد و صدور فتوا درباره موضوع

با طی کردن فرایند یاد شده اکنون اطلاعاتی قابل اطمینان و راه‌ها و ابزارهایی مناسب - براساس مبانی نظری فقیه - برای برون رفت از موانع شناختی در اختیار فقیه است که براساس مبانی فقهی خود بتواند حکم فقهی مناسب و فتوای مطمئنی را نسبت به موضوع مورد نظر صادر کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به روند رو به رشد موضوعات مستحدثه و تخصصی، و ضرورت پاسخ‌گویی به نیازهای فقهی بهره‌گیری از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات، امری ضروری است که چندانگی و یا بلا تکلیفی نسبت به کم و کیف استفاده از سایر علوم می‌تواند دستگاه فقاها را با مشکلات جدی رو به رو کند که عدم پاسخ‌گویی و یا پاسخ‌های متعدد و گاه متناقض نمونه‌هایی از این مشکلات است. برای پیشگیری و برون رفت از این مشکلات شبکه‌ای کردن فقه، تخصصی کردن

اجتهاد، شورایی کردن فقاہت، ساماندهی استظهار عرف، ترسیم فرایند دقیق و سازوکار بهره‌گیری از سایر دانش‌ها، ایجاد نهاد متمرکز موضوع‌شناسی، تعیین و تقسیم‌بندی علوم مرتبط با موضوعات، متناسب‌سازی علوم با موضوعات، فعال‌سازی و بهره‌گیری از نهادهای تخصصی، تشکیل کارگروه‌های تخصصی مشترک و نظارت دقیق فقهی بر روند پژوهش‌های موضوع‌شناسانه، برای بهره‌گیری بهتر از سایر دانش‌ها در شناخت موضوعات تخصصی، از جمله راهکارهایی است که دستگاه فقاہت باید آنها را جدی بگیرد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

- اراکي، محسن. (۱۴۲۵ق). نظرية الحكم في الإسلام. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- اسلامی، رضا. (۱۳۸۹). گزارش علمی از کنفرانس اعتبار و جایگاه علم نجوم در تعیین ماه‌های قمری، فصلنامه فقه، ۱۷(۶۳). صص ۲۲۲-۲۶۶.
- انصاری، قدرت الله و جمعی از پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار. (۱۴۲۹ق). موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۵ق). الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائرية) (چاپ اول). قم: ایران مجمع الفكر الإسلامي.
- بیات، حجت‌الله. (۱۴۰۱). نیمه اول اجتهاد (روش شناخت موضوعات)، موضوع‌شناسی (چاپ اول). قم: نشر موضوع‌شناسی.
- بیات، حجت‌الله. (۱۳۹۸). بازخوانی ویژگی‌ها و فرایند شناخت موضوعات احکام فقهی، فصلنامه فقه. ۲۶(۹۷). صص ۱۴۵-۱۷۲.
- حجتی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۴). آداب تعلیم و تربیت (ترجمه منیه المريد شهيد ثانی، چاپ سی و ششم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۴۱۶ق). دروس في معرفة الوقت و القبلة (چاپ چهارم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسن‌زاده، حسین. (۱۳۸۳). بررسی ساختار فقه، مجله قبسات، شماره ۳۲، صص ۲۶۱-۲۹۳.
- حکیم، سیدمنذر. (۱۳۷۷). مراحل تطوّر الاجتهاد في الفقه الإمامي، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ۴(۱۴). صص ۱۴۳-۱۷۰.
- خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۹۲). استفتائات از محضر امام خمینی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۷ق). فقه الأعذار الشرعية و المسائل الطبية (المحشى) (چاپ اول). قم: دار الصديقة الشهيدة عليها السلام.

رحمانی، محمد. (۱۳۷۴). منطقة الفراغ، مجله نقد و نظر، ۲(۵)، صص ۲۴۸-۲۷۵.
زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن (ج ۱). بیروت: دارالمعرفه.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۵ق). الرسائل الأربع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
سبزواری، سید عبد الأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام (چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.

سبزواری، سید علی بن عبد الأعلى. (۱۴۲۳ق). الاستنساخ بين التقنية و التشريع (چاپ دوم). قم: مؤسسه المنار.

سمیعی، محمد. (۱۳۸۳). نجوم جدید و فقه، مجله تحقیقات اسلامی، سال پانزدهم - شماره ۲ و سال شانزدهم - شماره ۱، صص ۳۱-۴۶.

سیستانی، سیدعلی حسینی. (۱۴۲۲ق). المسائل المنتخبة (چاپ نهم). قم: دفتر آیه الله سیستانی.
شیرازی، سیدمحمد حسینی. (بی تا). الرسائل الثلاث. بی جا.

صدر، سیدرضا. (۱۴۲۰ق). الاجتهاد و التقليد (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

صدر (شهید)، سیدمحمد. (۱۴۲۰ق). ماوراء الفقه (چاپ اول). بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع

علوی، سید عادل بن علی بن الحسین. (۱۴۲۱ق). القول الرشید في الاجتهاد و التقليد. قم: انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیه الله مرعشی نجفی.

غروی، مولی علی علی یاری. (۱۴۲۱ق). منهاج الملة في بيان الوقت و القبلة (چاپ اول). قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). جامع المسائل. قم: انتشارات امیر قلم.

قندهاری، محمد آصف محسنی. (۱۴۲۴ق). الفقه و مسائل طلبة (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

لاریجانی، صادق. (۱۳۷۴). نقش علوم بشری در اجتهاد، بحثی در روش تحقیق، نقد و نظر، ۲(۵)، صص ۱۰۱-۱۲۵.

مختاری، رضا؛ صادقی، محسن؛ نعمتی، محمدرضا؛ نوروزی، محسن. (۱۴۲۶ق). رؤیت هلال (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). الفتاوی الجديدة (چاپ دوم). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). أنوار الأصول (چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

نجفی (کاشف الغطاء)، علی بن محمدرضا بن هادی. (۱۳۸۱ق). النور الساطع في الفقه النافع (چاپ اول). نجف: مطبعة الآداب.

نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن. (۱۴۱۵ق). مجمع الرسائل (محرّی: صاحب جواهر، مقدمه: سید محمدباقر شیرازی، چاپ اول). مشهد: مؤسسه صاحب الزمان علیه السلام.

یعقوب نژاد، محمدهادی. (۱۳۹۴). هندسه علوم از نگاه علم شناسی با تأکید بر علوم انسانی اسلامی، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم اسلامی، ۱(۱). صص ۱۱۶-۱۳۹.

References

* The Holy Quran

- Alawi, S. A. (2000). *Al-Qawl al-rashid fi al-ijtihad wa al-taqlid*. Qom: Publications of Ayatollah Mar'ashi Najafi Library and Press. [In Arabic]
- Ansari, Q., & A Group of Researchers at Jurisprudential Center of Pure Imams. (2008). *Mawsu'at ahkam al-atfal wa adillatuha* (1st ed.). Qom: Jurisprudential Center of Pure Imams. [In Persian]
- Araki, M. (2004). *Nazariyyat al-hukm fi al-Islam*. Qom: Islamic Thought Association. [In Persian]
- Bayat, H. (2019). Re-reading the features and process of identifying fiqhi rulings' subjects. *Fiqh*, 26(97), pp. 145–172. [In Persian]
- Bayat, H. (2022). *The first half of ijtihad (The way to identify subjects), subjects studies* (1st ed.). Qom: Subject Studies Publications. [In Persian]
- Behbahani, M. B. (1994). *Al-ijtihad wa al-taqlid (al-fawa'id al-ha'iriyya)* (1st ed.). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
- Eslami, R. (2010). A scientific report on the conference on the credibility and status of astronomy in determining lunar months. *Fiqh*, 17(63), pp. 222–266. [In Persian]
- Fazel Lankarani, M. (2004). *Jami' al-masa'il*. Qom: Amir Qalam Publications. [In Persian]
- Gharavi, M. A. Aliyari. (2000). *Minhaj al-milla fi bayan al-waqt wa al-qibla* (1st ed.). Qom: The Foundation for Islamic Culture. [In Persian]
- Hakim, S. M. (1998). The stages of the evolution of ijtihad in Imami jurisprudence. *Fiqh Ahl al-Bayt Journal*, 4(14), pp. 143–170. [In Persian]
- Hasanzadeh Amoli, H. (1995). *Durūs fi ma'rifat al-waqt wa al-qibla* (4th ed.). Qom: Islamic Publications Office, affiliated with the Society of Teachers of the Islamic Seminary of Qom. [In Persian]
- Hasanzadeh, H. (2004). A study of the structure of fiqh. *Qabasat Journal*, 32, pp. 261–293. [In Persian]

- Hojjati, S. M. B. (2015). *Etiquette of education* (36th ed., Trans. Minyat al-murid by Shahid Thani). Tehran: The Office for Publications of Islamic Culture. [In Persian]
- Khoei, S. A. Q. (2006). *Fiqh al-a'dhar al-shar'iyya wa al-masa'il al-tibbiyya* (1st ed., annotated). Qom: Dar al-Siddiq al-Shahida. [In Arabic]
- Khomeini, R. (2013). *Religious Questions from Imam Khomeini*. Qom: The Institute for Preparation and Publications of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Larijani, S. (1995). The role of human sciences in ijtiḥād: A methodological inquiry. *Naqd va Nazar*, 2(5), pp. 101–125. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2006). *Al-Fatawa al-jadida* (2nd ed.). Qom: Imam 'Ali b. Abi Talib School Publications. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Anwar al-usul* (1st ed.). Qom: Imam Ali b. Abi Talib School Publications. [In Arabic]
- Mokhtari, R., Sadeqi, M., Na'mati, M. R., & Nowruzi, M. (2005). *Ru'yat-i hilal* (1st ed.). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office, Islamic Seminary of Qom. [In Persian]
- Najafi (Kashif al-Ghita'), A. (1961). *Al-Nur al-sati' fi al-fiqh al-nafi'* (1st ed.). Najaf: Matba'at al-Adab. [In Arabic]
- Najafi (Sahib al-Jawahir), M. H. (1994). *Majma' al-rasa'il* (1st ed., Annotated by Sahib al-Jawahir, Introduction by S. M. B. Shirazi). Mashhad: Mu'assasat Sahib al-Zaman. [In Arabic]
- Qandahari, M. A. Mohseni. (2003). *Al-Fiqh wa masa'il tibbiyya* (1st ed.). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office, Islamic Seminary of Qom. [In Arabic]
- Rahmani, M. (1995). *Mintaqat al-faragh*. *Naqd va Nazar*, 2(5), pp. 248–275. [In Persian]
- Sabzewari, S. A. (1992). *Muhadhdhab al-ahkam fi bayan al-halal wa al-haram* (4th ed.). Qom: Mu'assasat al-Manar. [In Arabic]



- Sabzewari, S. A. (2002). *Al-Istinsakh bayna al-taqniyya wa al-tashri'* (2nd ed.). Qom: Mu'assasat al-Manar. [In Arabic]
- Sadr (Shahid), S. M. (1999). *Ma wara' al-fiqh* (1st ed.). Beirut: Dar al-Adwa' le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
- Sadr, S. R. (1999). *Al-Ijtihad wa al-taqlid* (1st ed.). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office, Islamic Seminary of Qom. [In Arabic]
- Samiei, M. (2004). Modern astronomy and fiqh. *Islamic Research Journal*, 15(2)/16(1), pp. 31–46. [In Persian]
- Shirazi, S. M. H. (n.d.). *Al-Rasa'il al-thalath*. [In Arabic]
- Sistani, S. A. H. (2001). *Al-Masa'il al-muntakhaba* (9th ed.). Qom: Ayatollah Sistani's Office. [In Arabic]
- Sobhani Tabrizi, J. (1994). *Al-Rasa'il al-arba'* (1st ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
- Ya'qub Nejad, M. H. (2015). The geometry of sciences from an epistemological perspective with emphasis on Islamic humanities. *Foundational Research in Islamic Sciences*, 1(1), pp. 116–139. [In Persian]
- Zarkashi, B. (1990). *Al-Burhan fi 'ulum al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی